

برکه عشق

(شرح حال عشاق در ادبیات ایران)

بهار دولتشاهی

سرشناسه: برکه عشق/دولت‌شاهی /بهار

عنوان و نام پدیدآور: برکه عشق(شرح حال عشاق در ادبیات ایران)بهار دولت‌شاهی

موضوع: داستان‌های عاشقانه فارسی -- مجموعه‌ها

مشخصات نشر: تهران، ادريس، ۱۳۹۶،

مشخصات ظاهري: ۲۰۷ص رقعی

شابک: ۰-۶۶-۷۷۵۹-۶۰۰-۹۷۸

شماره کتاب شناسی: ۴۷۱۸۳۷۲



انتشارات ادريس

تهران، صندوق پستی: ۱۱۴-۱۵، تلفن: ۰۴۴۰۶۸۰۶۶۹

Email: nashreedris@gmail.com

برکه عشق

(شرح حال عشاق در ادبیات ایران)

نویسنده: بهار دولت‌شاهی

لیتوگرافی سبز • چاپ‌خانه تک • صحافی تک

نوبت چاپ: ۱۳۹۶ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان • شابک: ۰-۶۶-۷۷۵۹-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ: ۱۳۹۶، نشر ادريس

عشق، عشق، عشق احساسی گمشده که همه فرزندان آدم
و حوا از زمان پا گذاشتن ایشان بر زمین در جستجوی آن
سرگردانند، خواسته یا ناخواسته، خود آگاه یا ناخود آگاه، پنهان یا
آشکار.

و چیس ایر گمشده عالم هستی؟ دل چیزی می گوید و
عقل چیزی دیگر عده ای روایت عقل و دل را از یکدیگر تفکیک
کرده و عده ای یکی می کنند.

متفکرین در وادی دانش، احساس عشق را مربوط به ترشح
هورمون عشق یعنی اکسی توسین در بدن می دانند که البته
هورمون شادی نیز هست.

اما اول هورمون ترشح می شود و عشق بوی می آید یا
عشق پدید آمده موجب ترشح هورمونی می شود که باخود شادی
و سرخوشی می آورد.

خوب این ماجرا به پیچیدگی مسئله مرغ و تخم مرغ نیست

و عقل و علم هر دو ثابت کرده‌اند حضور عشق در قلب موجب بروز
 هورمون اکسی توسین می‌شود که فرمان آن را مغز می‌دهد،
 می‌بینید عشق فقط یک فرایند قلبی نیست، پس بدانید عشقی
 که با خود شادی نیاورد عشق نیست فقط یک جذبہ است، به
 مرحلہ دور نرویم.

وادی طالع عشق را پله‌ای از راه پلکان به سوی معرفت الهی
 می‌خوانند. هر چند که هریک از این پله‌ها خود شهری است و
 شرحی مفصل دارد

اوراه رسیدن به وجود را گذراندن هفت وادی دانسته که
 بسیاری از عرفا نیز با او هم دانستان شده، آن را پذیرفته‌اند

گفت ما را هفت وادی در ره است چو گذشت هفت وادی، در که است

هست وادی طلب آغاز کار وادی عشق است از آن به بی‌کنار

پس سیم وادی است آن معرفت پس چهارم وادی استنا صفت

هست پنجم وادی توحید پاک پس ششم وادی حیرت صعب‌ناک

هفتین، وادی فقر است و فنا بعد از این روی روش نبود تو را

در کشش افق، روش کم کردوت کر بود یک قطره قلمم کردوت

که خلاصه آن می شود:

اول طلب، دوم عشق، سیم معرفت، چهارمین استغنا، پنجم

آن توحید، شش حبوت و هفتم فقر و فنا

البته رکن نهمی. عشق است، که آغازش از طلب عشق

است و با یافتن عشق زمینه راه به سوی عشق آسمانی که هم

آغاز و انجامش اوست می رسد، به حیف که

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندک خم یک کوچ ایم

پس بدین صورت است که داستان های عاشقانه و ادبیات

عرفانی سرزمین پارس شدند، داستان هایی که بسیاری از آنها

برخاسته از دل مردمان همین مرزوبوم است در وادی طلب، که به

قلم عرفا جاودانه شدند، باشد که ما را از وادی طلب به وادی

عشق رهنمون شود.

جالب است ما همه با شنیدن نصف ونیم ازداستان لیلی
ومجنون فکرمی‌کنیم عشق یعنی رنج وهجران، لیک بسیاری از
این دست قصه‌های عاشقانه در ادبیات عرفانی، شادمان به پایان
رسیده تا قهرمانان آن با بذل عشق خود به جهان هستی راه به
سوی وادی اعلا گذارند.

ایست ایست ما هم چون مجنون سرگشته در وادی عشق
چرخان بودیم یک مسیر خود را به سوی کمال هستی بیابیم، که
جناب مولانا می‌گوید:

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

دلت عشق آمد من دولت پانده شدم

دیده سیراست مرا جان دلیراست مرا

زهره شیرین است مرا زهره تابنده شدم

قلب‌های تان مسیر عشق

بهار دولت‌شاهی

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۱۲.....	ورقه و گلشاه
۶۷.....	بیژن و منیژه
۹۸.....	لبان و مجنون به روایت نظامی گنجوی
۱۲۷.....	خسرو و سیرین و فرهاد
۱۲۸.....	یوسف و زلیخا
۱۵۷.....	وامق و عذرا
۱۷۰.....	همای و همایون
۱۸۱.....	رابعه
۱۹۷.....	آبسال و سلامان
۲۰۲.....	روایت خواجه نصیرالدین طوسی